

## حزب انقلابی طبقه کارگر

نوشته زیر بخشی از مقاله ای است به قلم جیمز پی. کانن  
کانن یکی از رهبران جنبش جهانی تروتسکیستی و از پایه گذاران حزب کارگران  
سوسیالیست در آمریکا بود. او در سال ۱۹۷۴ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

\*\*\*\*\*

مفهوم نئین از حزب پیشتاز، به عنوان سازمان دهنده و هدایت کننده انقلاب  
پرولتاریایی، بزرگترین تدبیری بود که از زمان مرگ انگلس در سال ۱۸۹۵ تاکنون  
به زرادخانه مارکسیسم عرضه شده است. این نظریه سازمانی مشهور، برخلاف  
ادعای برخی، نه محصول شرایط آن زمان روسیه بود و نه محدود به آن شرایط.  
ریشه عمیق این نظریه در دو تا از سنگین ترین واقیعت های قرن بیستم نهفته است:  
یکی، واقیعت مبارزه کارگران برای تسخیر قدرت. و دیگری ضرورت ایجاد یک  
رهبری که قادر باشد این وظیفه را تا آخر به انجام برساند.

نئین با تشخیص این امر که جنگ های امپریالیستی، انقلاب پرولتاریایی و قیام های  
مستعمرات خصایل عصر ما هستند، در اوایل این قرن عملاً دست به کار تشکیل حزبی  
شد که قادر باشد مسیر این وقایع طوفانی و ناگهانی را در جهت منافع سوسیالیسم  
برگرداند. پیروزی بلشویک ها در طغیان های سال ۱۹۱۷ و پایداری اتحاد شوروی  
که آنها مستقر کردند. گواهی است بر دور اندیشی نئین و ارزش شیوه های سازمانی  
او. حزب نئین نمونه اصیل و بی همتایی است که از آن چه که یک رهبری دموکراتیک  
و متمرکز کارگری می تواند باشد، و آن چه که قادر است انجام دهد، حزبی که نسبت  
به اصول مارکسیستی و کاربرد جسورانه این اصول صادق است.

از آنجا که دستاوردهای دوران ساز بلشویک ها محدود به یک کشور بود، بحث پیرامون ماهیت رهبری انقلابی بطور قطع فیصله نیافت. این بحث از آن زمان تاکنون هم چنان ادامه داشته است. پس از گذشت پنجاه سال، هنوز کم نیستند شکاکانی در صفوف سوسیالیست ها که نسبت به ضرورت و مطلوب بودن حزبی از نوعی لنینیستی یا مرددند و یا به کلی آن را نفی می کنند. حتی در محافل که نظریه لنین را به روشنی درک کرده و بدان اعتقاد یافته اند، مسئله ایجاد حزب پیشتاز به همان فوریت و ضرورت همیشگی باقی است. چرا که این مسئله هنوز باید در حین مبارزات روزمره علیه نظام پیشین حل و فصل گردد.

داشتن یک ارزیابی صحیح از حزب پیشتاز و نقش ضروری آن بستگی دارد به درک اهمیت قاطع عوامل ذهنی در انقلاب پرولتاریایی. در یک مقیاس وسیع تاریخی، و در تحلیل نهایی، شرایط اقتصادی هستند که در شکل دادن به تحول و تکامل جامعه نقش تعیین کننده دارند. ولی این حقیقت ماتریالیسم تاریخی به معنی نفی این واقعیت نیست که پروسه های سیاسی و روانی جاری در بطن توده های کارگر، بر مسیر، آهنگ حرکت و عاقبت انقلاب ملی و بین المللی اثری مستقیم تر و فوری تر می گذارند. زمانی که پیش شرط های عینی مادی جهت فعالیت انقلابی کارگران به نقطه معینی از رشد خود رسید، اراده و آگاهی کارگران- که از طریق دخالت حزب متشکل پیشتاز تجلی می یابد- می تواند به صورت یکی از عوامل مهم در تعیین نتیجه مبارزه طبقاتی در آید.

نظریه لنینیستی حزب پیشتاز بر مبنای دو عامل استوار گردیده: ناهمگونی طبقه کارگر از یک سو، و خصلت بسیار آگاهانه نهضت سوسیالیستی از سوی دیگر. جریان انقلابی شدن پرولتاریا و مردمان ستمدیده بطورکلی امری است پیچیده، طولانی و متناقض. در جامعه طبقاتی و تحت نظام سرمایه داری، زحمتکشان به طرق گوناگون طبقه بندی و تقسیم شده اند، تحت شرایط بسیار متفاوتی زندگی می کنند و در مراحل بسیار سختی از تکامل اقتصادی و سیاسی قرار دارند. در نتیجه، رسیدن

آنان به درکی روشن و جامع از موقعیت واقعی خویش در اجتماع و مسیر سیاسی ای که باید طی کنند تا خود را از شر مصیبت ها خلاص کرده و دست به نظامی بهتر ببابند، چیزی است که بطور همزمان، دسته جمعی و یک نواخت صورت نمی گیرد، و نمی تواند هم صورت بگیرد. و بدتر این که، زحمتکشان نمی توانند به سرعت و به آسانی یاد بگیرند که چگونه باید به مؤثرترین شکل برای حمایت از منافع طبقاتی خود و پیشبرد آن منافع عمل کنند.

ناموزونی در امر استقلال یابی کل طبقه کارگر، دلیل اصلی برای وجود یک حزب پیشتاز است. این حزب باید متشکل از عناصری از طبقه و سخنگویان آن باشد که نیاز به عمل انقلابی را درک می کنند و زودتر از توده پرولتاریا، هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین المللی، دست به انجام آن می زنند. و نیز دلیل این که چرا پیشتاز طبقه همیشه به صورت اقلیتی از خود طبقه و به صورت یک "گروه انشعابی" شروع به کار می کند در همین جاست. تشکیلات اولیه کارگران پیشرو و متعهد به سوسیالیسم و هم پیمانان روشنفکری که عقاید آنان را تبلیغ می کنند، ابتدا باید خود را پیرامون محوری از دستگاه عقاید معین علمی، سنن طبقاتی و تجربه متشکل سازند و یک برنامه سیاسی صحیح تهیه کنند تا پس از آن بتوانند گردان های بزرگ نیروهای انقلابی را متشکل و رهبری نمایند.

هدف حزب پیشتاز باید در همه حال دسترسی به وسیع ترین تعداد توده ها، حرکت دادن آنان و جلب کردنیان به سوی حزب باشد. ولی تاکنون هیچ حزبی، منجمله خود بلشویک ها، هرگز با بهره گیری از حمایت اکثریت طبقه و به عنوان رهبر شناخته شده آن آغاز به کار نکرده است. چنین حزبی اصولاً به صورت گروه مبلغی که هدفش تشریح و اشاعه عقاید است دست به کار می شود. کار این گروه عبارت است از تربیت کردن، تعلیم دادن و آبدیده ساختن کادرها پیرامون برنامه و چشم اندازی که کادرها آن را جهت ملاحظه، عملی ساختن و اثبات در عمل به توده ها عرضه می کنند.

وسعت و نفوذ سازمان مسئله ای نیست که انقلابیون جدی نسبت بدان بی تفاوت باشند. معهذاً، شاخص های کمی به تنهایی نمی توانند معیارهای تعیین کننده و قاطع برای قضاوت در باره ماهیت واقعی یک گروه انقلابی تلقی گردند. معیارهای اساسی تر سازمان، جوانب کیفی آن هستند مانند برنامه و رابطه با طبقه ای که این برنامه معرف منافع آن است و برای آن می جنگد.

تروتسکی در مقاله قدم بعدی چیست؟ می نویسد "منافع طبقه کارگر را نمی شود جز در قالب برنامه فرموله کرد. و از برنامه هم نمی توان دفاع کرد، جز از طریق ایجاب حزب، طبقه کارگر، به خودی خود، فقط ماده خامی است برای استثمار. پرولتاریا تنها در لحظه ای نقش مستقل پیدا می کند که از یک طبقه اجتماعی در خویشتن تبدیل به یک طبقه سیاسی برای خویشتن شود. و این امر جز از طریق حزب عملی نخواهد شد. حزب آن وسیله تاریخی است که از طریق آن طبقه کارگر به آگاهی طبقاتی دست می یابد."

مارکسیسم به ما می آموزد که تحقق یافتن انقلاب علیه سرمایه داری و تجدید بنای سوسیالیستی دنیای کهن تنها از طریق عمل آگاهانه و جمعی طبقه کارگر امکان پذیر است. حزب پیشتاز عالی ترین تجلی و ابزار بی همتای آگاهی طبقاتی در تمام مراحل سیر جهانی است. در دوران پیشا انقلابی، پیشتاز طبقه اقدام به جمع آوری و به هم جوشانیدن کادرهایی می کند که پیشاپیش ارتش اصلی در حرکتند، لکن در سراسر این مسیر حرکت در پی حفظ روابط صحیح خود با ارتش اصلی هستند.

پیشتاز طبقه به تعدادش افزوده می شود. نفوذ خود را گسترش می دهد و در مسیر مبارزه توده ای برای کسب برتری، مبارزه ای که او خواهان به ثمر رسانیدن موفقیت آمیز آن است، در صف مقدم ظاهر می گردد. پس از سرنگون کردن قدرت حاکم پیشین، پیشتاز طبقه مردم را در کار ساختن جامعه جدید و دفاع از این جامعه رهبری می کند.

سازمان سیاسی ای که قادر به انجام چنین وظایف غول آسانی باشد، ممکن نیست بطور خود به خود و یا سرسری بوجود آید. چنین سازمانی باید بطور مداوم، پیگیر و آگاهانه ساخته شود. داشتن بر خوردی سهل انگارانه نسبت به امر ساختن حزب یا مسائل مربوط به آن نه تنها کار احمقانه ای است بلکه مصیبت بار نیز هست. تجربیات تلخی که از فرصت های انقلابی بسیار در طول نیم قرن گذشته حاصل شده، فرصت هایی که بر اثر رهبری های بی کفایت یا خیانت کار از دست رفتند و یا با رهبری بد به نابودی کشیده شدند، بدون چون و چرا نشان می دهد که سهل انگاری در این امر حیاتی مسلماً به کجروی و شکست می انجامد.

بهترین نمودار قابلیت عالی لنین به عنوان یک رهبر انقلابی، اصراری بود که او در داشتن برخوردی کاملاً آگاهانه نسبت به کلیه جوانب حزب سازی - از مسائل عظیم نظری و سیاسی گرفته تا توجه وسواسی به جزئی ترین کارهای روزمره به کار می برد. انواع دیگر احزاب خود را به داشتن آهنگ حرکتی باطمینینه و افتان و خیزان راضی می کنند. اینها فقط هنگامی که مسائل پیش می آیند به فکر چاره آنها می افتند، آن هم چاره ای تجربی و موقت. ولی لنین نه تنها در قلمرو اقتصادی که اداره آن بعدها به عهده حزب گذاشته شد، بلکه در امر ساختن خود حزب و فعالیت های انقلابی آن در راه کسب قدرت نیز سیستم و برنامه ای ارائه داد. او در انجام کارها تا سر حد امکان به شانس و بدیهه سازی متوسل نمی شد. لنین با شروع از یک ارزیابی فرموله شده از مرحله ای که مبارزه از آن می گذشت، وظایف اصلی را مشخص می کرد و برای حل آنها بهترین طرق و وسایلی را جستجو می کرد که مطابق با هدف های دراز مدت سوسیالیزم جهانی باشد.

حزب پیشتاز که با روش سوسیالیزم علمی هدایت می شود و یکسره متعهد به ایجاد رفاه توده های زحمتکش و قربانیان خفقان است، همیشه باید خود را در موضع مخالفت اصولی با پاسداران و نهادهای جامعه طبقاتی قرار دهد. اینها خصایصی است که از حزب در برابر گندزدگی و فساد محافظت می کند و در مقابل فشار و نفوذ طبقات

بیگانه پوششی زرهی برای حزب به وجود می آورد. لکن پیش از هر چیز، حزب لنینیستی باید حزبی رزمنده باشد که هدفش متشکل کردن توده ها جهت حرکت مؤثر برای کسب قدرت است.

این هدف اساسی است که خصلت حزب و الویت وظایف آن را تعیین می کند. حزب نمی تواند محفلی برای گفتگوهای بی هدف و بحث های بی انتها باشد. هدف از مشورت ها، بحث ها و مجادلات داخلی حزب، رسیدن به تصمیم برای عمل و کار سیستماتیک است. در عین حال حزب نه درمانگاهی است برای پرستاری یا معالجه روان های مریض، و نه نمونه ای است از آنچه که جامعه سوسیالیستی آینده خواهد بود. حزب تشکلی است مرکب از رزمندگان انقلابی، آماده، مصمم، و قادر به مقابله با دشمن مردم و شکست دادن این دشمن، و کمک به توده ها در هموار ساختن راهشان به سوی دنیای نو.

بسیاری از طرفداران "چپ نو" که روحیه ای آنارشیستی یا اگزیستانسیالیستی دارند، رهبری حرفه ای در یک نهضت انقلابی را، یا به دیده تحقیر می نگرند و یا به کلی آن را رد می کنند. این طرز فکر در میان بعضی از کارگران مایوس و سرخورده رادیکال های سابق نیز دیده می شود. اینان تعهد آگاهانه به یک رهبری تمام وقت را با سلطه جویی و امتیازات بوروکراتیک یکی می شمردند. اینان از فهم روابط متقابل میان توده ها، طبقه انقلابی، حزب، و رهبری حزب عاجزند. به همان گونه که رهبری انقلابی ملت را به پیش می راند، حزب پیشتاز نیز عهده دار رهبری طبقه انقلابی است. لکن نقش رهبری در اینجا خاتمه نمی یابد. خود حزب هم نیاز به رهبری دارد. غیرممکن است که یک حزب انقلابی بتواند بدون داشتن رهبران شایسته، رهبری صحیحی عرضه کند. این رهبری در درون حزب دارای همان نقشی است که حزب آن را برای طبقه کارگر ایفا می کند.

کادرهای حزب هستند که هم در دوران رکود و هم دوران رشد و گسترش حزب ستون فقرات آن را تشکیل می دهند. ضامن موجودیت و حیات حزب عبارتست از

قابلیت آن در بسط و افزایش کادرهای خود و تأمین و انتقال رهبری از نسلی به نسل دیگر.

حزب پیشتاز را نمی توان در یک اظهاریه فرقه گرایانه اعلام کرد و یا یک شبه آن را ساخت. در بوته آزمایش نهضت توده ای و در ضمن جدال ها و کشمکش های شدید داخلی پیرامون سیاست های مهم حزبی در هر چرخش مبارزه طبقاتی است که رهبری و اعضای حزب دستچین و غربال می شوند. رد شدن از کنار مرحله اول و یا بدتر از آن جهیدن از روی این مرحله امکان پذیر نیست. منظور از مرحله اول، مرحله ای است که در آن کادرهای اصلی حزب در رابطه با وظیفه بزرگتر متقاعد ساختن و به عضویت در آوردن بخش های وسیعی از توده ها، و همچنین تدارک دیدن برای این وظیفه، خود را سازمان و تجدید سازمان می دهند.

نقش قاطعی که حزبی از این نوع می تواند در ساختن تاریخ ایفا کند. بطرزی زنده، توسط کادرهای بلشویک در جنگ جهانی اول و در نخستین انقلاب پرولتاریایی نشان داده شد. پس از مرگ لنین، دستگاه استبدادی بوروکراسی شوروی که تحت حکومت استالین شکل گرفت، این کادرها را یا به سوی انحطاط سوق داد، یا آن را از بین برد، و یا این که افراد دیگری را جانشین آنان کرد. شکست های وحشتناک نیروهای سوسیالیستی در سایر کشورها، از آلمان ۱۹۱۸ تا اسپانیا در سال های ۳۹-۱۹۳۶، شکست هایی که به علت فرصت طلبی، نقصان و یا خطاهای رهبری های کارگری بوقوع پیوست، اهمیت وجود چنین کادرهایی را به گونه ای منفی نشان داد.

برخلاف برخی دیگر از شاگردان مکتب برجسته تروتسکی، من معتقد به این هستم که با ارزش ترین خدمت تروتسکی به نهضت انقلابی جهانی در طول مبارزات او علیه استالینیزم و سانتریسم، دفاعی بود که او از اصول لنینیستی حزبی به عمل آورد و این اصول را غنی تر ساخت. عملی که عالی ترین جنبه ی آن تصمیم به ایجاد احزاب جدید بین الملل چهارم بود. از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۷، تروتسکی در تئوری و در عمل، با شیوه لنین در ساختن حزب لنین مخالفت می کرد. و این که او

در سال ۱۹۱۷، با مشاهده اثبات مفاهیم لنین از طریق تکامل انقلاب هم در روسیه و هم در خارج، مفاهیم لنین را پذیرفت، صرفاً به خاطر عینی‌گرایی و قابلیت رشد نمونه او بود.

تروتسکی از آن پس تا پایان عمرش هرگز در اعتقاد خود به این شیوه حزب‌سازی تزلزلی راه نداد. پس از تصحیح اشتباه خود در این زمینه و به دنبال مرگ لنین در سال ۱۹۲۴، تروتسکی به صورت بهترین مفسر و تکامل‌دهنده سنن بلشویکی حزب پیشتاز در عرصه سیاست ملی و بین‌المللی در آمد. وی نظر خود را درباره اهمیت خطیر حزب پیشتاز، در برنامه انتقالی که برای کنگره بنیادی بین‌الملل چهارم در سال ۱۹۳۸ تدوین کرده بود، خلاصه کرد. او اظهار داشت که "بحران تاریخی بشریت به بحران رهبری انقلابی تقلیل یافته است". وظیفه استراتژیک اصلی برای کل عصر حاضر عبارتست از "غلبه بر تضاد موجود بین رسیدگی شرایط عینی انقلابی و عدم بلوغ پرولتاریا و پیشتاز آن (آشفستگی و نومیدی نسل قبلی، بی‌تجربگی نسل جوانتر). او خاطر نشان ساخت که حزب پیشتاز تنها سازمانی است که از طریق آن می‌توان این مسأله حاد سیاسی مربوط به مرحله امپریالیستی سرمایه‌داری جهانی را حل کرد. و بطور مشخص تر. او قاطعانه اظهار داشت که: "... بحران رهبری پرولتاریا، که بدل به بحران فرهنگ بشریت شده، راه حل نهایی خود را فقط توسط بین‌الملل چهارم خواهد جست". یعنی از طریق حزب جهانی انقلاب سوسیالیستی.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazari@netscape.net](mailto:yasharazari@netscape.net)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳